

## جایگاه رسانه‌های جدید در تحولات اخیر خاورمیانه (مطالعه موردی کشور مصر)

دکتر سیدمحمد موسوی\*، سیدمحمد رضا موسوی✉، حسینعلی توتی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با طرح این پرسش که جایگاه رسانه‌های جدید در تحولات اخیر خاورمیانه با تأکید بر تحولات انقلابی کشور مصر چه بوده است؛ این فرضیه را بیان می‌کند که رسانه‌های جدید با آغاز تحولات انقلابی، در اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش تحولات منطقه، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح فرامنطقه‌ای نقش مهمی ایفا کرده‌اند. گسترش رسانه‌های نوین، آگاهی را در بین اقشار مختلف کشورهای درگیر منطقه؛ مانند کشور مصر بالا برده و بویژه توجه قشر جوان را به آنچه در اطراف آنها می‌گذرد، جلب کرده و به این ترتیب، فرایند تحولات منطقه را تسهیل و تسریع کرده است. هدف مقاله حاضر، بررسی نحوه شکل‌گیری و گسترش تحولات منطقه خاورمیانه و شناخت نقش شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بوده است. همچنین چگونگی استفاده از رسانه‌های اجتماعی (همچون فیس‌بوک، اینترنت و پیام‌دهی متنی) برای نیل به تغییر سیاسی در منطقه خاورمیانه، با تمرکز بر کشور مصر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: رسانه‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، خاورمیانه، مصر

---

\* دکترای علوم سیاسی، دانشیار دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی Email: moosaviut@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۴ تجدید نظر: ۹۲/۴/۱۲ پذیرش نهایی: ۹۲/۵/۳

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر دگرگونی‌های وسیع تکنولوژی‌های ارتباطی و ایجاد شرایط جدید، معروف به انقلاب اطلاعات، روابط ملت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان گسترش یافته و رسانه‌ها به مهم‌ترین منابع مبادله اخبار، افکار و عقاید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیرومندترین اثرگذاران در روابط بین‌المللی تبدیل شده‌اند (معتدنازاد، ۱۳۸۹، ص ۳۷۹). با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی همچون اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، رایانه و ویدئو، در چند دهه واپسین سده بیستم، انقلابی عظیم در عرصه ارتباطات دوربرد و الکترونیک با بُرد جهانی رخ داد. در این میان، ماهواره و اینترنت، شاخص‌ترین و اصلی‌ترین این فناوری‌ها شناخته شده‌اند؛ به طوری که در چند دهه اخیر، تأثیرات بسیار شگرفی بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها به جای گذاشته‌اند و به واسطه همین تأثیر، قلمرو و مرزهای دولت - ملت‌ها را در سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کم‌رنگ و تا حد زیادی آسیب‌پذیر کرده‌اند. با پیدایش اینترنت و شبکه گسترده جهانی آن، زمینه‌های اولیه حوزه عمومی جهانی و شهروندی جهانی تکوین یافته و موجبات نوعی درگیرشدگی فعالانه مدنی و سیاسی و نوعی روزنامه‌نگاری شهروندی را فراهم کرده است (سردارنیا، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴).

اینترنت با بهره‌گیری از قابلیت‌هایی همچون وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها، سایت‌های خبری و ... افزایش آگاهی‌های سیاسی و گسترش نگرش‌های مدنی و دموکراتیک را در کاربران موجب می‌شود و با بسیج کاربران برای مشارکت سیاسی، افراد و گروه‌های در حاشیه مانده را در فعالیت‌های سیاسی و اعتراضی درگیر می‌سازد. خیزش‌های اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا نمونه بارزی از کاربرد این فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بویژه شبکه‌های اجتماعی نوین در این زمینه است (هان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، صص ۹-۸).

تحولات اخیر را که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا روی داده، بسیاری از اندیشمندان و تحلیل‌گران از ابعاد و زوایای متنوع مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند؛ برخی بر نقش گروه‌های سیاسی و برخی دیگر، بر نقش عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داخلی و همچنین عوامل خارجی و بیرونی تأکید داشته‌اند. تعدادی نیز به

بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین ارتباطی در این تحولات پرداخته‌اند؛ بنابراین، با توجه به اینکه به باور نویسندگان مقاله، نقش‌آفرینی رسانه‌های جدید مانند شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، تلفن‌های همراه، وبلاگ‌ها و ایمیل‌ها عامل شکل‌گیری نسل جدیدی از مشارکت سیاسی جوانان استفاده‌کننده از این ابزارها در کشور مورد بررسی، یعنی کشور مصر بوده است، ضرورت پژوهش، اعتقاد به این قضیه است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همچون تلفن‌های همراه و سایر رسانه‌های نوین، نقش مهمی در منازعات دموکراسی و حقوق بشر در خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا کرده‌اند. با این مقدمه، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چه نقشی در وقوع تحولات منطقه خاورمیانه داشتند؟ در مقاله حاضر، با بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه‌های نوین به ارزیابی نقش آنها در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته شده است. تحولاتی که از کشور تونس آغاز شد و به شکل دومینو، بخشی از منطقه خاورمیانه را فراگرفت. در واقع توانایی رسانه‌های نوین کنشگران جدیدی را به وجود آورده که در مقابل مراکز قدرت عرض اندام می‌کنند. با وجود این، هسته تغییرات، باعث ایجاد جامعه شبکه‌ای شده و نوعی جامعه جهانی شبکه‌ای را رقم زده است. با بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، به ارزیابی نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با تأکید بر کشور مصر پرداخته می‌شود.

### چارچوب مفهومی پژوهش

در این بخش از پژوهش، به منظور بررسی و تحلیل نقش اینترنت و «رسانه‌های اجتماعی جدید»<sup>۱</sup> در انقلاب‌های منطقه خاورمیانه، ضمن ارائه تعریف و تقسیم‌بندی از شبکه‌های اجتماعی جدید، به بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه‌های اجتماعی جدید و تأثیر آن بر «جنبش‌های اجتماعی»<sup>۲</sup> به طور مختصر پرداخته می‌شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی<sup>۳</sup>، نسل جدیدی از وب سایت‌های اینترنتی هستند. در این وب سایت‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، متناسب با نوع و موضوع فعالیت‌شان، امکانات دیگری از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های

1. new social media

2. social movements

3. virtual social networks

آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدئوها و فایل‌های رایانه‌ای و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰). جدیدترین چشم‌انداز ارائه شده در سال ۲۰۱۱، رسانه‌های اجتماعی را در چند گروه اصلی قرار داده است که عبارت‌اند از: ابزارهای انتشار، اشتراک‌گذاری، بحث، تجارت، موقعیت، شبکه‌سازی اجتماعی.

به منظور دسترسی به اهداف این مقاله در زمینه شناخت نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه خاورمیانه، در زیر به برخی از ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در دنیای امروز پرداخته می‌شود:

۱. **تغییر شکل ارتباطات.** یکی از ویژگی‌های شبکه اجتماعی، تغییر شکل ارتباطات گفتمانی است. در پایان دهه اول قرن بیست و یکم، برخی شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر، دورنمای تعامل اجتماعی و راه‌های برقراری ارتباط بین انسان‌ها را تغییر داده‌اند.

۲. **تبادل اطلاعات و ایجاد پیوند.** فناوری‌های اطلاعاتی نوین موجب شده‌اند که رفتارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی، ابعاد فوق منطقه‌ای یابند و اقشار مختلف جهان از طریق آنها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از همفکری و حمایت یکدیگر بهره‌مند شوند؛ در واقع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با فشردگی زمان و مکان، سرعت ارتباطات و پیوندهای درون سازمانی را در میان فعالان و هواداران اعتراض‌ها که از حیث جغرافیایی از یکدیگر فاصله دارند، به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش داده‌اند.

۳. **فراملی بودن و نداشتن مرز.** در عصر جهانی شدن، رسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای در جهان یافته‌اند و عامل بسیاری از تحولاتی شده‌اند که تا به حال وجود نداشته است.

۴. **سازماندهی اعتراض‌ها.** فضای سایبرنتیکی و مجازی از قابلیت بالا برای جستجوی همتایان، ایجاد ائتلاف و هماهنگ‌سازی اهداف و تاکتیک‌های مبارزاتی برخوردار است؛ امری که به وضوح در تحولات اخیر خاورمیانه مشاهده می‌شود (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴).

تأثیر تحولات فناوریانه ارتباطی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، موضوعی است که بسیاری از صاحب‌نظران به بررسی آن پرداخته‌اند. به اعتقاد کاستلز<sup>۱</sup> «از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ می‌باشد، با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردند». بررسی نقش ارتباطات و فناوری‌های نوین ارتباطی در پیدایش ایدئولوژی و تأثیر آن بر نظام‌های اقتدارطلب کشورهای در حال توسعه و تضاد انقلاب اطلاعات و ارتباطات با خودکامگی و تمرکزگرایی تصمیم‌ها در این نظام‌ها نشان می‌دهد که به این ترتیب، شیوه‌های مدیریت و تصمیم‌گیری مبتنی بر تمرکزگرایی با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی بی‌کفایت می‌شود و دولت را مجبور به شفاف‌سازی در تصمیم‌گیری می‌کند (بوریتسون<sup>۲</sup>، ترجمه طیب، ۱۳۶۸، ص ۲۶).

دانیل لرنر<sup>۳</sup> در کتاب «گذر از جامعه سنتی» به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر سنت و فرایند نوسازی در خاورمیانه می‌پردازد. به اعتقاد وی «رسانه‌های ارتباطی، ضمن افزایش انعطاف‌پذیری افراد، قابلیت انعطاف آنها را با موفقیت‌های جدید ممکن می‌سازد» علاوه بر این، رسانه‌ها از طریق کاهش تقید افراد به سنت و امکان تجربه و گزینش آزادانه شیوه‌های زندگی، می‌توانند عامل عمده‌ای در زوال سنت و انتقال جامعه از کنش و اقتدار سنتی به کنش و اقتدار عقلانی به شمار روند و باعث بسط و گسترش جامعه مدنی، دموکراسی و حوزه‌های عمومی شوند (تامپسون<sup>۴</sup>، ترجمه اوحدی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳). از سوی دیگر، ارتباط سریع تا حد زیادی سرعت را برای ارائه پاسخ فوری، افزایش و زمان لازم برای تأمل و محاسبه دقیق را کاهش می‌دهد؛ اگر پاسخ‌ها بی‌درنگ ارائه نشوند، بخش وسیعی از عامه مردم مأیوس و احتمالاً ناامید خواهند شد (ویلسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸، ص ۲۰).

در عصر اطلاعات، اینترنت بخش مهمی از تحرک‌های اجتماعی را شکل می‌دهد؛ چه در جوامع مردمی یا دموکراتیک و چه در جوامع محدود. اینترنت می‌تواند افراد همفکر را به هم نزدیک کند و به آنها یاری رساند که پشتوانه‌ای برای کنش پیدا کنند. اینترنت در جوامع اسلامی به رغم بسترهای مختلف فرهنگی و راه‌های متفاوت دسترسی، به سرعت گسترش یافته است؛ با این حال رشد اینترنت در جوامع عربی و کشورهای حوزه خلیج فارس تا

1. Castells                      2. Boreston                      3. Daniel Lerner  
4. Thompson                    5. Wilson

پایان سال ۲۰۰۱ کمترین میزان را در تمام دنیا داشته است. با گسترش فراگیری این فناوری جدید در شهرهای بزرگ، در مدتی کوتاه شاهد آن بوده‌ایم که اینترنت، منبع جانسین دسترسی به جدیدترین اخبار و اطلاعات در جوامع غیردموکراتیک عربی و اسلامی شده است (ولمانت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ص ۴۳۸). از سوی دیگر، تلفن همراه با خدمات پیام کوتاه به عنوان یکی از ابزارهای نوین ارتباطی، کارکردهای گسترده‌ای در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یافته است. امروزه، سامانه پیام کوتاه به عنوان راهکاری تازه برای سرعت بخشیدن به امور روزمره، به طور جدی نظر طیف وسیعی از افراد جامعه بویژه جوانان را به خود جلب کرده است (اسکوت<sup>۲</sup> و گرونین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، ص ۱۴). در ادامه، با مطالعه موردی تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر کشور مصر (که به انقلاب و سقوط مبارک انجامید)، به تحلیل نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی این کشور در سال‌های اخیر پرداخته خواهد شد.

### اینترنت و شبکه‌های جدید اجتماعی، بیداری اسلامی و رسانه

یکی از پیامدهای مهم توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحول گسترده در مفهوم و کارکرد مرزهای سیاسی و بین‌المللی است. مرزی که فلسفه شکل‌گیری آن، تفکیک دو حاکمیت مستقل، یکپارچه‌سازی یک ملت، نزاع و امنیت بین دو کشور و برقراری ارتباط و تعامل بین دو ملت است. با توسعه فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات در عصر جهانی شدن و پیدایش و توسعه فضای سایبر<sup>۴</sup> مرزهای سیاسی و بین‌المللی کارکردهای گذشته خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند. در فضای سایبر، نیازی به جابه‌جایی‌های فیزیکی نیست و کلیه اعمال فقط از طریق فشردن کلیدها یا حرکات ماوس صورت می‌گیرد. فضای سایبر در معنا، به مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود (ویسی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸).

با وقوع اعتراضات مردمی، با بهره‌گیری از قابلیت بسیج نیروها توسط شبکه‌های اجتماعی برای بسیج نیروها که به دلیل برقراری رابطه بی‌واسطه میان مردم، تسهیل‌کننده

---

1. Wellman                      2. Scott                      3. Gronin  
4. cyber space

ارتباط منطقه‌ای و جهانی و نیز تأثیرگذار بر خواسته‌های مردم دیگر کشورهای عربی بود، چشم‌انداز روشنی را برای تأثیرگذاری فناوری‌ها بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی انسان هزاره سوم ترسیم کرد.

باید توجه داشت که در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های ارتباط جمعی می‌توانند نقش مهم و بی‌سابقه‌ای در تغییر بافت اجتماعی کشورهای عربی منطقه و به طور کلی، کشورهای خاورمیانه ایفا کنند؛ به طوری که با افزایش پرشتاب قشر تحصیلکرده دانشگاهی، روز به روز بر میزان این طبقه نوظهور افزوده می‌شود. پیامد ایجاد این طبقه اجتماعی در جوامع انسانی، پیدایش نخبگان جدید در سطح جامعه و تغییر در ترکیب و ساختار نخبگان قبلی است.

درواقع، با شکل‌گیری طبقه جدید و تحصیلکرده در کشورها، این گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و اخبار، دیگر خود را محدود به رسانه‌های سنتی نظیر رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها نمی‌کنند، بلکه با استفاده از امکانات نوینی مانند اینترنت و بهره‌گیری از قابلیت‌های آن نیازهای اطلاعاتی خود را برطرف می‌سازند. از این رهگذر؛ ایجاد شبکه‌های مجازی در اینترنت، فرصت بسیار مناسبی برای سازماندهی و تأثیرگذاری بر این اقشار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای منطقه و خاورمیانه در میان سیزده سایت برتر، چهار وب‌سایت مرتبط با شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. بر همین اساس، نمی‌توان نقش سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک، توییتر و یوتیوب را در شکل‌دهی به اعتراضات جمعی و شبکه‌سازی در اجتماع نادیده گرفت (موثقی گیلانی، و عطارزاده، ۱۳۹۱)

خیزش‌ها و اعتراضات اخیر را به دلیل استفاده گسترده کاربران از شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و توییتر، معترضان، فعالان، حامیان و همه کسانی که در گوشه و کنار جهان، حوادث را دنبال می‌کردند، «انقلاب‌های توییتری و فیس‌بوکی»<sup>۱</sup> نام نهاده‌اند. کاربران تولیدکننده محتوا به فحوای اینترنت شامل متن، تصاویر و انواع ویدئوهای ارجاع می‌یابند که کاربران، نه به منظور کسب منافع مالی بلکه بیشتر برای لذت هیجان، آپلود می‌کنند. کاربران تولیدکننده محتوا، نقش مهمی در اعتراضات و قیام‌های اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا کرده‌اند. تلفن‌های همراه کسانی که درگیر یا

1. twitter and facebook revolutions

2. content producers

شاهد اعتراضات بودند، امکان آپلود محتوا و گزارش در مورد رویدادهای زنده را در جریان اعتراض‌ها فراهم می‌کرد. تلفن‌های همراه همچنین معترضان را برای ارتباط با سایرین و گسترش پیام‌هایشان یاری می‌داد. برخی شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و وبلاگ‌نویسی در توییتر، از ابزارهای اولیه آنلاین برای انتشار مطالب بودند (کامینوس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص ۴)

در دسامبر ۲۰۱۰، در تونس، اخبار خودسوزی بوعزیزی، الهام‌بخش برپایی تظاهرات در این کشور و در سایر مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا شد. در آن زمان حتی توییتر نیز که استفاده‌کنندگان کمتری داشت، ابزاری برای گسترش پیام معترضان به شمار می‌رفت. در سرتاسر جهان، بسیاری از علاقه‌مندان به حوادث، از توییتر و فیس‌بوک به عنوان اولین منابع اطلاعات مرتبط با تونس استفاده می‌کردند. به این ترتیب، اخبار به دست آمده از توییتر در مورد این حوادث، الهام‌بخش مردم در سرتاسر منطقه شد.

کاربری تولیدکننده محتوا در ابتدا توجه جهانیان را به قیام‌های کشورهای تونس، مصر و متعاقب آن، سایر کشورها، جلب کرد. پیوند کاربری تولیدکننده محتوا و تلفن‌های همراه، ابزار مهمی برای معترضان به منظور اطلاع‌رسانی در خصوص اعتراض‌ها، ماهیت پلیس و واکنش‌های نظامی و غیرنظامی به جهان اطراف محسوب می‌شد. کاربری تولیدکننده محتوا، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهایی را که رسانه‌های دولتی مطرح نمی‌کردند، ارائه می‌داد (سبزه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

در سرتاسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ابزارهایی همچون توییتر و فیس‌بوک، با فراهم آوردن امکان به اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئوها، فرصت‌هایی را برای اعتراض به جریان قدرت ایجاد کرد (کامینوس، ۲۰۱۱، ص ۹). عنصری از حقیقت برای داستان انقلاب فیس‌بوک و نقش فناوری‌های دیجیتال در شورش کشورهای خاورمیانه وجود دارد. فیس‌بوک شبکه‌ای اجتماعی است که نقش مهمی در اعتراضات ممالک خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است؛ اما در حقیقت، نقش آن را باید به عنوان یک فضای فرهنگی برای یک نسل در نظر گرفت؛ نه یک فناوری قاطع و تعیین‌کننده. رسانه در هر زمان، دارای اهمیت مرکزی برای جنبش‌های اجتماعی بوده و فعالان همیشه برای بهره‌برداری از رسانه از هر راهی که توانسته‌اند، تلاش کرده‌اند (اسلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱، ص ۱۰).

1. Comminos

2. Slee



تحولات اخیر منطقه خاورمیانه این واقعیت را آشکار کرد که فناوری‌های جدید موبایل، در گسترش سریع و پایدار تغییرات اجتماعی مؤثر واقع شده‌اند. بیداری اسلامی نه تنها سال‌های دیکتاتوری را به چالش کشید؛ بلکه مردم را توانمند کرد تا مقتدرانه از فناوری‌ها و رسانه‌های جدید برای ایجاد ارزش‌های مشترک و حمایت از انقلاب استفاده کنند (بوگلاف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص ۲).

در خصوص نقش «شبکه‌های اجتماعی»<sup>۲</sup> در انقلابی که منطقه خاورمیانه را فراگرفته است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از گروه‌ها و صاحب‌نظران، شبکه‌های اجتماعی را تحریک‌کنندگان اصلی انقلاب‌ها و برخی دیگر، تنها ابزارهایی توخالی و راکد می‌دانند. با این حال می‌توان گفت که بسیاری از تماس‌ها و ارتباطات لازم برای اعتراض در منطقه، ابتدا در فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی دیگر برقرار شده است.

### وضعیت سیاسی مصر در آستانه انقلاب (تا ژانویه ۲۰۱۱)

مصر کشوری است که از بیشترین تعداد انجمن‌ها بویژه انجمن‌های صنفی - حرفه‌ای برخوردار است. شهر قاهره نیز ۲۵ درصد از کل تشکل‌های جهان عرب را دارد که ۲۳ اتحادیه کارگری، ۲۶ اتاق تجاری، ۲۱ انجمن صنفی و ۳ حزب سیاسی را شامل می‌شود. کل اعضای انجمن صنفی - حرفه‌ای به ۱/۲ میلیون نفر می‌رسد. بیشترین تعداد مجوز ثبت انجمن در فاصله سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۸۱ (نیمه دوم حکومت سادات) صادر شده که از ۷۵۹۳ به ۱۰۷۳۱ مورد افزایش داشته است (آل‌سعید<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳، ص ۲۳۱). اما مشاهدات واقعی طی حیات سیاسی مصر در سه دهه اخیر نشان داده است که رقابت و مشارکت چند حزب و انجمن در اموری مانند انتخابات، به طور عمده سازوکاری برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و تثبیت اقتدارگرایی بوده و محتوای واقعی نداشته است. با وجود گسترش نهادهای حزبی و بویژه انجمنی به عنوان نشانه‌های دموکراسی، این نهادها به نهادهای صوری دموکراسی با کمترین تأثیرگذاری بر پویای تصمیم‌گیری، کاهش و تنزل یافته‌اند (سردارنیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

بررسی رسانه‌های جمعی<sup>۴</sup> به صورت عام و مؤسسه‌های انتشاراتی به صورت خاص در کشور مصر نیز نشان می‌داد که در این کشور به دلیل حاکمیت انحصار، انباشت

1. Boughelaf

2. social networks

3. Al Sayyid

4. social media

امکانات و در نهایت سلطه کامل استبداد، جریان آزاد گردش اطلاعات وجود نداشت و دستیابی نهادهای رسانه‌ای دولتی به رانت‌ها مانع از امکان رقابت با آنها می‌شد. این همان موضوعی است که مخالفان حکومت مصر به عنوان یک مانع اساسی در دستیابی به مردم‌سالاری از آن یاد می‌کردند.

استمرار سه دهه ریاست مبارک بر حکومت، به یاری جو امنیتی ناشی از قانون وضعیت اضطراری و انتخابات نمایشی، فضایی مملو از دل‌سردی و ناامیدی را در میان چالش‌گران و مردم مصر برقرار ساخته بود؛ اما نسل جدید و جوان مصر با استفاده از ابزارهای فناوری جدید مانند اینترنت، تلفن‌های همراه و ... درگیر فعالیت‌هایی بودند که فضای سیاسی و اجتماعی مصر را دچار تحولات اساسی ساخت. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، نقش قدرتمندی در بسیج اعتراضی ایفا کردند.

اما محدودیت‌ها، همچنان توانایی و اراده معترضان را نشان می‌داد؛ چرا که آنان با مقاومت در برابر تلاش‌های حکومت و انسداد دسترسی به اینترنت، روش‌های نوآورانه‌ای را برای دور زدن کنترل پیدا کرده بودند. این نشان‌دهنده آن است که استفاده از فناوری‌های ارتباطی با وجود تلاش حکومت برای کنترل این جریان، به پخش و انتشار میزان بی‌سابقه‌ای از اطلاعات در امتداد مرزها انجامیده است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۵)

به طور کلی برخی از ویژگی‌های حکومت مبارک که بحران‌های عمیقی را در جامعه مصر ایجاد کرده بود، عبارت‌اند از:

**فرسودگی حکومت و نبود گردش نخبگان.** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مصر را که به نارضایتی مردم این کشور انجامید، می‌توان فرسودگی حکومت و نبود گردش نخبگان دانست. سه دهه حکومت بدون منازع مبارک بر این کشور، باعث شده بود که اکثر مردم او را مسئول رنج‌ها و مشکلات خود تلقی کنند.

**شخصی شدن قدرت.** ویژگی مهم دیگر حکومت مبارک که با گذشت زمان چشمگیرتر به نظر می‌رسید، شخصی شدن قدرت بود، به گونه‌ای که تمام قدرت در شخص مبارک متمرکز شده بود و نهادهای سیاسی، از جمله نهاد ریاست‌جمهوری، کارکرد خود را از دست داده بودند.

دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی. برگزاری نوعی انتخابات رقابتی، محیط سیاسی چند حزبی، وجود دو مجلس سفلی و علیا و آزادی بیان نسبی در جامعه مصر، این امکان را برای حکومت مبارک فراهم می‌کرد که با ادعای پیشرفت و توسعه سیاسی، تا حدی از خشم توده‌ها را تسکین بخشید. به این ترتیب، دموکراسی ظاهری، هیچ تهدیدی برای حکومت مبارک نبود. در واقع، ماهیت رقابتی انتخابات در مصر پیش از آنکه محصول فرایند دموکراتیک‌سازی باشد، یک راهبرد برای حفظ رژیم بود. نظام سیاسی مصر را در دوران مبارک می‌توان نوعی دموکراسی صوری و کنترل شده تلقی کرد چرا که اقتدارگرایی در این دوران همچنان تداوم می‌یافت.

اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزب حاکم. حکومت مبارک یکی از رژیم‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود که برخی از اشکال انتخابات رقابتی را تحمل می‌کرد. پلیدس<sup>۱</sup>، حکومت مبارک را در زمره رژیم‌های مبتنی بر هژمونی حزبی، همراه با برخی اشکال انتخابات رقابتی قرار می‌دهد.

فساد گسترده در طبقه حاکم. بی‌تردید بارزترین پدیده‌ای که نقش مؤثری در شکل‌گیری اعتراضات اخیر داشته، فساد اقتصادی گسترده در میان خانواده مبارک و نخبگان وابسته بوده است (شهابی، ۱۳۸۹).

### رسانه‌های جدید و تحولات انقلابی مصر

تا پیش از سال ۱۹۹۰، بسیاری از مالکیت‌های رسانه‌ای در جهان عرب با حکومت‌ها همراه شده بودند؛ چنان که بیشتر رسانه‌ها تحت کنترل و نظارت شدید حکومت کار می‌کردند. برخی از نویسندگان استدلال می‌کنند که در این دوره رسانه‌های عربی به طور عمده حکومت‌ها را کنترل می‌کردند تا مردم عادی را ناآگاه و ناتوان از مشارکت مؤثر در مناقشات سیاسی و بحث‌های عقلانی نگه دارند. بعد از سال ۱۹۹۰، انقلاب رسانه‌ای جدیدی در جهان عرب رخ داد که الهام گرفته از ظهور شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت بود (خامیس<sup>۲</sup> و سیسler<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰، ص ۲۷۷).

در دهه ۱۹۹۰، ضریب نفوذ اینترنت در سراسر جهان عرب شروع به گسترش کرد. هر چند این منطقه به طور کلی، از قرار گرفتن در پایین‌ترین حد شکاف دیجیتال رنج

1. Pledis

2. Khamis

3. Sisler

می‌برد و با بسیاری از چالش‌ها از جمله فقدان منابع انسانی و اقتصادی فناوری اطلاعات، بی‌سوادی، ناآشنایی با اینترنت فقدان بودجه برای پژوهش و توسعه فناوری اطلاعات و نبود زیرساخت‌های مخابراتی مستحکم مواجه است؛ وضعیت به سرعت رو به تغییر می‌رود چنان که در حال حاضر، بسیاری از کشورهای عرب در تلاش هستند تا ضریب نفوذ اینترنت را افزایش دهند (خامیس و واگن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص ۲). افزایش کاربرد رسانه‌های اجتماعی در جهان عرب، پیامد افزایش کلی نفوذ اینترنت و تلفن همراه در منطقه بوده است. مطالعه‌ای که فیلیپ هوارد<sup>۲</sup>، در کشورهای مسلمان سراسر جهان انجام داده، نشان می‌دهد که نفوذ تلفن همراه و اینترنت در طول ۱۰ سال گذشته به طور شگفت‌انگیزی افزایش یافته است. با این درجه از پذیرش فناوری، این کشورها در زمره بالاترین ملت‌های در حال توسعه قرار می‌گیرند (همان، ص ۳).

به باور اکثر تحلیل‌گران، عامل پیوند بازیگران اصلی جنبش‌های شمال آفریقا، فضای سایبری است که در پرتو انقلاب، در فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده است. به همین دلیل، برخی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، تحولات کنونی خاورمیانه را انقلاب فیس‌بوکی یا انقلاب توییتر یا انقلاب رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای نامیده‌اند و عقیده دارند اینها ابزاری هستند که حرکت‌های مردمی از آن به بهترین نحو استفاده می‌کنند. بنابراین آنچه که این دولت‌ها، یا از میزان نفوذ و اثرگذاری‌اش غافل بوده‌اند یا ابزار کنترل آن را نداشته‌اند، دسترسی جوانان و مردم به ابزارهای نوین ارتباطی بوده است. نماد این جنبش‌ها و ابزارهای ارتباطی آن، فضاها، مجازی و سایبری مانند فیس‌بوک، توییتر و ... است (قربان اغلو، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

می‌توان گفت که انقلاب‌های اخیر، بویژه در کشورهای مصر و تونس، محصول تحرک عمومی جوانان، تکیه بر شبکه‌های اینترنتی و اجتماعی و استفاده بهینه از رسانه‌های اجتماعی جمعی بوده‌اند. جوانان فعال با استفاده از ابزارهای مدرن ارتباطی مانند یوتیوب، توییتر و فیس‌بوک، شعله انقلاب را با اتحاد مردم در کشورهایی همچون تونس، مصر، لیبی و یمن روشن کردند. مصر و تونس دو کشوری هستند که انقلاب‌های اجتماعی در آنها به ثمر رسیدند. در این کشورها، هماهنگی توده‌ها و اقدامات شورشی از طریق شبکه‌های اجتماعی عمده مانند توییتر و فیس‌بوک

1. Vaughn

2. Philip Harvard

برنامه‌ریزی شده بود. به این ترتیب، چنین عنوان می‌شود که سال ۲۰۱۱، سال شبکه‌های اجتماعی بوده است؛ سالی که مردم تونس و مصر با بهره‌گیری از قدرت سازماندهی شبکه‌های اجتماعی برای اعتراض‌های خیابانی موفق شدند دو دیکتاتوری را سرنگون کنند. در انقلاب‌های عربی، فیس‌بوک و توییتر از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی به کمک اعتراضات آمدند. البته باید یادآوری کرد که شبکه‌های اجتماعی در این میان، تسریع‌کننده و سازمان‌دهنده تحولات بوده‌اند، نه آغازگر حرکت.

در مصر، شبکه‌های اجتماعی، سهم بزرگی در سازماندهی و تشویق معترضانی بازی کردند که به بهانه سلطه مستبدانه چهل ساله مبارک که تجسم فساد، فقر، بیکاری و وابستگی غربی بود، به خیابان‌ها آمدند. شبکه‌های اجتماعی در این کشور، سقوط یک دیکتاتور را رقم زدند. در جریان انقلاب مصر، شبکه‌های اجتماعی به نوعی روح جمعی را در مردم تقویت کردند و به این ترتیب، با هم بودن در دنیای مجازی مانع از تنها ماندن در میدان تحریر شد (کیانی، ۱۳۹۰).

در شبکه‌های اجتماعی در مصر، سیستم‌های عاملی همچون فیس‌بوک و توییتر مورد استفاده قرار گرفتند تا اعتراضات اولیه ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ را اعلام کنند و به اطلاع همگان برسانند. گروه‌های فیس‌بوکی مانند «همه ما خالد سعید هستیم» و جنبش جوانان «ششم آوریل»<sup>۱</sup> فراخوانی برای تظاهرات ۲۵ ژانویه بود (کامینوس، ۲۰۱۱، ص ۸). جنبش ششم آوریل نیز قبل از انقلاب فعال بود؛ نام این گروه به دلیل نخستین اقدام آن در حمایت از یک اعتصاب کارگری که در شهر المحله الکبری در دلتای نیل، در تاریخ ششم آوریل ۲۰۰۸ رخ داد، به آن اطلاق می‌شود. جنبش ششم آوریل از تلفن‌های همراه، وبلاگ‌ها، توییتر، فیس‌بوک و یوتیوب به منظور ثبت افراط‌کاری‌های پلیس، سازماندهی اجتماعات و اعتراضات، هشدار به یکدیگر درباره تحرکات پلیس و تقاضای کمک قانونی برای دستگیرشدگان، استفاده کرد اما در عین حال، محدودیت‌های رسانه اجتماعی برای جنبش‌های دموکراتیک را نیز نشان داد (روسنبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

به هر حال اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی در ایجاد یا دگرگونی بسیاری از اشکال کنش جمعی، از اقناعی تا تقابلی و از اقدامات فردی تا جمعی بر عهده دارند. چنین کارکردهایی در جنبش انقلابی مصر کاملاً نمایان بود. سحر خمیس و کاترین وون

1. Youth Movement, April Sixth

2. Rosenberg

در مقاله‌ای به طور مفصل به این موضوع پرداخته‌اند. از نظر این دو، نقش رسانه‌های جدید در انقلاب مصر بویژه در سه شیوه به هم پیوسته دارای اهمیت بوده است: (۱) فعال کردن کنش‌گرایی سایبر، که برانگیزاننده مهمی برای کنش‌گرایی خیابانی بود؛ (۲) تشویق درگیری مدنی از طریق کمک به بسیج و سازماندهی معترضان و (۳) سرانجام فراهم کردن شکل جدیدی از روزنامه‌نگاری شهروندی که عرصه‌ای را برای شهروندان عادی فراهم می‌کند تا ضمن بیان خویشتن، تفاسیر خود را از واقعیت ثبت کنند (نقل از نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۰).

در مجموع اینکه رسانه‌های اجتماعی: (۱) کمک کردند تا نوعی حوزه عمومی برای بیان آزادانه ایجاد شود، همان گونه که در بیان آزادانه دیدگاه‌ها در فیس‌بوک، توییتر، ویدئوهای یوتیوب و وبلاگ‌ها شاهد هستیم؛ (۲) ابزارهایی را برای مردم فراهم کردند تا از طریق آن، با دیدگاه‌های سیاسی مشابه خود آشنا شوند و با آنها همکاری کنند، همان گونه که در انجمن‌های مبارز در فضاها عمومی که از طریق رسانه‌های اجتماعی سازمانده شده‌اند شاهد هستیم؛ (۳) فضایی مجازی برای گردهمایی و اجتماع را فراهم کردند؛ (۴) از توانایی معترضان برای طراحی، «ما همه خالد سعید هستیم» در سازماندهی و اجرای اعتراضات مسالمت‌آمیز حمایت کردند، همان گونه که در کاربرد رسانه اجتماعی از سوی جنبش ۶ آوریل و دیگر گروه‌های فعال شاهد هستیم و (۵) به عموم مردم این امکان را دادند که تا در روزنامه‌نگاری شهروندی مشارکت کنند؛ همان طور که در تکثیر تصاویر و ویدئوهای ضبط شده به وسیله تلفن همراه (به صورت آنلاین) و نیز در گزارش‌ها و رسانه‌های بین‌المللی شاهد هستیم (خامیس و واگن، ۲۰۱۱، صص ۲۴-۲۳).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان داد که جامعه جهانی شبکه‌ای به مثابه ساختار قدرت جدید اجتماعی توانست به کنشگران عرب، قدرت و قابلیت کنش در برابر ساختار حاکم پدرسالارانه عربی را بدهد و آنان را به عنوان کنشگران با نفوذ سپهر اجتماعی در جهت گفتمان تغییر تعریف کند. با توجه به انقلاب ارتباطات، دو انقلاب تونس و مصر در سایه همین گفتمان تشریح شد و اهمیت رسانه‌های نوین، کانال‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در وقوع و تکوین بهار عربی مورد بررسی قرار گرفت.

فهم معمول از کارکرد رسانه‌های یاد شده این است که شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، تغییرات را راحت‌تر سازماندهی می‌کنند و می‌توانند منشأ موج تازه‌ای از حرکت به سوی دموکراسی در سراسر جهان باشند. رسانه‌های نوین ضمن اینکه اجازه پخش گسترده پیام‌های عقیدتی را به هسته‌های انقلابی می‌دهند؛ امکان ارائه برنامه‌های آموزشی و عملیاتی را نیز فراهم می‌کنند. هرچند این امکان با گذشت زمان قابل تحقق است؛ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، سرعت و حجم آن را با شبکه‌ای از دوستان و گروه‌های اشتراک اطلاعات گسترش می‌دهند.

در انقلاب‌های عربی، جوانان عرب بیش از هر چیز امکانات نوینی را که روند جهانی شدن در اختیار بشر نهاده، به خدمت گرفتند. بر این اساس، در دنیای جهانی شده کنونی، مسئله مرکزی تأثیر بر افکار عمومی است و حلقه مرکزی این تأثیر، رسانه‌های جمعی و ارتباطات جهانی هستند که باعث شده‌اند ارتباطات تبدیل به عمل جمعی و حرکت جمعی شود. استدلال این است که با آغاز انقلاب در منطقه، رسانه‌های نوین قابلیت‌های آنها، نقش عمده‌ای در گسترش، سازماندهی و بسیج اعتراضات ایفا کردند.

همچنین ظهور رسانه‌های نوین امکان سرکوب اعتراض‌ها از سوی دولت را محدود کرده و با تقویت فضای رزمایش معترضان برای هماهنگی و برگزاری تظاهرات، باعث شده است که افراد بتوانند اهداف، خواسته‌ها و آرزوهای خود را با دیگر هموعان به اشتراک بگذارند و با تشکیل اجتماعات مجازی و احساس وجود جمعی مشترک هر چند مجازی، فشارها را برای وقوع تغییرات تشدید کنند.

هم اکنون می‌توان گفت؛ فضای جدیدی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است و هیچ کس نمی‌تواند نقش رسانه‌های نوین را نادیده بگیرد؛ رسانه‌هایی که خود مؤید تغییرات در سطوح اجتماعی و سیاسی جهانی هستند. پیشرفت‌های فنی و اطلاعاتی صورت گرفته در یک قرن اخیر موجب گسترش فضاها و ارتباطی گردیده و اتصال دورافتاده‌ترین نقاط زمین به یکدیگر را امکان‌پذیر کرده است. عصر انفجار اطلاعات به همراه ابداع ابزارها و شیوه‌های نوین ارتباطی، دنیای جدیدی را با مؤلفه‌های متمایز از دنیای قدیم پدید آورده است. یکی از این شیوه‌های نوین، فضای مجازی با تنوعات گوناگون آن، بویژه اینترنت است. اینترنت به عنوان یکی از مهم‌ترین ابداعات بشر در قرن اخیر، با قابلیت‌ها و کارکردهای متعدد و گسترده‌ای که دارد،

بخش‌های مختلف زندگی انسانی را تحت تأثیرات مثبت و منفی خود قرار داده است. مبنا و هدف اصلی اینترنت، برداشتن فاصله جغرافیایی میان انسان‌های سراسر دنیا و ایجاد تحول در عرصه ارتباطات و تبادل اطلاعات است؛ در واقع به جرئت می‌توان گفت یکی از تأثیرگذارترین خدمات ارائه شده در اینترنت و وب که در سال‌های اخیر، تحول شگرفی در نظام اجتماعی کشورهای مختلف جهان به وجود آورده، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بوده است.

درواقع نقش و اهمیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا ثابت کرد که همین وسایل ارتباطی امروز به عنوان مهم‌ترین عامل و محرک در تحولات جهانی نقشی انکارناپذیر دارند. شبکه‌هایی که با پوشش دادن ثانیه به ثانیه تحولات و جهت دادن به نگاه مخاطب، نقشی مهم در به ثمر نشاندن انقلاب‌های مصر و تونس داشته‌اند. هر چند خواست و اراده مردمی در به ثمر رساندن انقلاب‌ها، واقعیتی انکارناپذیر است.

مصدق بارز این امر را می‌توان تلاش دولت حسنی مبارک برای کند کردن دسترسی به اینترنت و حتی در مواردی قطع آن به منظور جلوگیری از اجتماعات دانست (دولت مصر چنان به تأثیر این رسانه‌ها در شکل‌گیری اجتماعات ضد دولتی پی برده بود که اعلامیه‌های دولت در خصوص منع برگزاری اجتماعات و حالت فوق‌العاده را ابتدا به صورت گسترده در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌کرد). به همین دلیل نمی‌توان از نقش سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مجازی و در نهایت، شکل‌دهی به اعتراض‌های جمعی و شبکه‌سازی در اجتماع واقعی به سادگی گذشت.

در مجموع یافته‌های این مقاله عبارت‌اند از:

- در حال حاضر فضای مجازی امکانات بی‌نظیری را فراهم کرده که می‌تواند در پیشبرد جنبش‌های اجتماعی و تکمیل فرایند بسیج مؤثر واقع شود. اینکه تمهیداتی را برای افراد در میان جمعیت فراهم می‌کند تا اعتقادات، دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود را به صورت نوشتار، گفتار، عکس و ویدئو در اختیار یکدیگر قرار دهند.

- با شروع انقلاب در منطقه، اینترنت و قابلیت‌های آن از قبیل شبکه‌های اجتماعی نقش عمده‌ای در گسترش، سازماندهی و بسیج اعتراضات ایفا کردند؛ تا جایی که از



طریق این شبکه‌ها آثار این تحولات از منطقه فراتر رفت به مناطق دیگری مانند اروپا هم سرایت کرد.

- با وجود سرکوب حکومت، چالشگران اسلام‌گرا و لیبرال چه در عرصه مجازی وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی و چه در متینگ‌ها و دوره‌های مخفی یا آشکار دنیای واقعی، از منازعه خود دست نکشیدند و چالش علیه وضع موجود و استبداد حاکم را فرونگذاشتند. در واقع، فضای مجازی این امکان را برای جنبش‌ها فراهم کرد که دیوارهای ناامیدی و دلسردی از آینده را به یاری عرصه‌ای نوین از تعامل بشکنند.

- در حال حاضر، فضای جدیدی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است و در این زمینه هیچ کس نمی‌تواند نقش ارتباطات مجازی را نادیده بگیرد. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توییتر و ... فرایند تحولات منطقه را تسهیل و تسریع کرده‌اند.

- اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به عنوان هسته‌های انقلابی نه تنها اجازه پخش گسترده پیام‌های عقیدتی را می‌دهند، بلکه امکان ارائه برنامه‌های آموزشی و عملیاتی را هم فراهم می‌کنند.

## منابع

آقایی، سید داود و همکاران. (۱۳۹۱). واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال افریقا. فصلنامه روابط خارجی، ۴ (۲)، صص ۳۲-۱.

بوریتسون، والتر. (۱۳۶۸). پیشرفت تکنولوژی و حاکمیت دولت‌ها (ترجمه علیرضا طیب). اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۳، صص ۲۰-۱.

تامپسون، جان. (۱۳۸۰). رسانه و مدرنیته، نظریه اجتماعی رسانه‌ها (ترجمه مسعود اوحدی). تهران: سروش.

سبزه‌ای، محمدتقی. (۱۳۸۸). بررسی سه رویکرد مطرح در جوامع عربی در مورد جامعه مدنی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱ (۳).

- سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۸۸). تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶ (۱).
- سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری و کنش‌گرا بر چرایی تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر. فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۲).
- شهابی، سیاوش. (۱۳۸۹). ضرورت انقلاب و نقش شبکه‌های اجتماعی. بازیابی شده از: سایت خودنویس.
- قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی. پرتال سیاست ما. دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای.
- قربان اغلو، جاوید. (۱۳۹۰). چیستی و ماهیت جنبش‌های خاورمیانه. ماهنامه پژوهشی، تحلیلی، اجتماعی آیین. ۳۴ و ۳۵.
- کیانی، یلدا. (۱۳۹۰). از قاهره تا لندن، تأثیر شبکه‌های مشابه و نتایج متفاوت. بازیابی شده از: <http://www.DW-world.DE>
- معمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۹). ارتباطات بین‌المللی. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- موتقی گیلانی، احمد و عطارزاده، بهزاد. (۱۳۹۱). نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷ (۳)، صص ۱۹۱-۱۴۷.
- نظری، اشرف و قلی‌پور، مجتبی. (۱۳۹۰). ارتباط به مثابه انقلاب؟ فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی نوین و جنبش انقلابی مصر. مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات ژئوپولیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا. انجمن ژئوپولیتیک ایران.
- ویسی، هادی. (۱۳۸۸). جهانی شدن و اشاعه مرزها در فضای مجازی. مجله رشد آموزش جغرافیا. ۸۹.
- Al Sayyid, M. (1993). Civil Society in Egypt? *The Middle East Journal*, Vol. 44, No. 2.
- Boughelaf, J. (2011). *Mobile Phone, Social Media and the Arab*. Credemus Associates.
- Comminos, A. (2011). *Twitter Revolutions and Cyber Crackdowns: User*

**Generated Content and Social Networking in the Arab Spring and beyond.** Association for Progressive Communications.

- Hun, P.M. (2007). **How Does Information & Communication Technology Affect Civic Engagement?** .Ph.D. Dissertation in Mass Communication, Indiana University.
- Khamis, S. & Vaughn. (2011). Cyberactivism in the Egyptian Revolution: **How Civic Engagement and Citizen Journalism Tilted the Balance.** published in Issue 13 of Arab Media and Society, Summer 2011.
- Khamis, S. & Sisler, V. (2010). The New Arab Cyberscape: Redefining Boundaries and Reconstructing Public Spheres. **Communication Yearbook**, Vol. 34, pp. 277-316.
- Rosenberg, T. (2011). Revolution U: What Egypt Learned from the Students Who Overthrew Milosevic. **Foreign Policy**. Retrieved March 10, 2011, from: [http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/02/16/revolution\\_u](http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/02/16/revolution_u).
- Scott, B.G. & Gronin, M.J. (2002). **Mobile Application Development With SMS.** New York: MC Graw-hill.
- Slee, T. (2011). **More Egypt, More Revelation.**
- Wellman, B. (2001). Does the Internet Increase, Decrease, Supplement Social Capital. **American Behavioral Scientist**, Vol. 45, No. 3, pp. 436-455.
- Wilson, E.J. (1998). **Globalization, Information Technology, and Conflict in the Second and Third Worlds:** A Critical Review of The Literature, Project On World Security Rockefeller Brothers Fund, New York: Rockefeller Brothers Fund, Inc., [www.rbf.org/pdf/wilson-Info\\_Tech.pdf](http://www.rbf.org/pdf/wilson-Info_Tech.pdf)